



بررسی اندیشه های مزدک

فاطمه رامین^۱، افسانه رامین^۲

۱- کارشناسی ارشد تاریخ ایران باستان، دانشگاه آزاد اسلامی

۲- ادبیات فارسی، مرکز آموزش عالی شهید مطهری کرمانشاه

چکیده

مزدک در دوران فرمانروایی قباد یکم ظهور کرد و به تبلیغ کیش خود پرداخت. تعاملات و ملاحظات قباد در دربار و جامعه آن زمان وی را واداشت تا در ابتدا به مزدک گرایش پیدا کند، اما واکنش مخالف عناصر قدرتمند دربار متشکل از روحانیون و اشراف و بزرگان موجب برکناری موقت او از قدرت شد. بازگشت مجدد قباد به قدرت با طرد مزدک و پیروانش از دربار همراه شد. این تغییر رویکرد حتی در دوره سلطنت خسرو انوشیروان ادامه یافت و سبب شد بسیاری از مزدکیان به مورد تعقیب و مجازات قرار گیرند. مزدک بامدادان بنیان گذار جنبش های سده های پنجم و ششم میلادی است که حتی پس از آن در دوران اسلامی نیز ادامه یافت. شعار نهضت وی عدالت و مساوات در توزیع ثروت و امکان برخورداری برابر توده مردم از موهبات دنیوی بود، بنابراین به شدت در میان طبقات فرودست و بی بهره از نعمات و امکانات نفوذ پیدا کرد و در زمان اندکی ساختار طبقاتی مبتنی بر آموزه های دینی جامعه ساسانی را با آسیب های جدی روبرو ساخت. تعالیم مزدک شباهت هایی به برخی از آموزه های مانوی و نیز دین زرتشتی (حتی زروانی) دارد، از این همواره به یکی از این دو منتسب گردیده است. مزدک اصول کیش خود را بر پایه ثنویت و دو اصل نور و ظلمت بنا نهاد. او معتقد بود نور دارای آگاهی است و حرکاتش براساس اختیار و تدبیر صورت نمی گیرد ولی تاریکی و هر آنچه ظلمانی است، فاقد آگاهی بوده و اقداماتش تصادفی است.

واژگان کلیدی: مزدک، آیین مانوی، زرتشتی، ساسانیان